



(imageless edition)

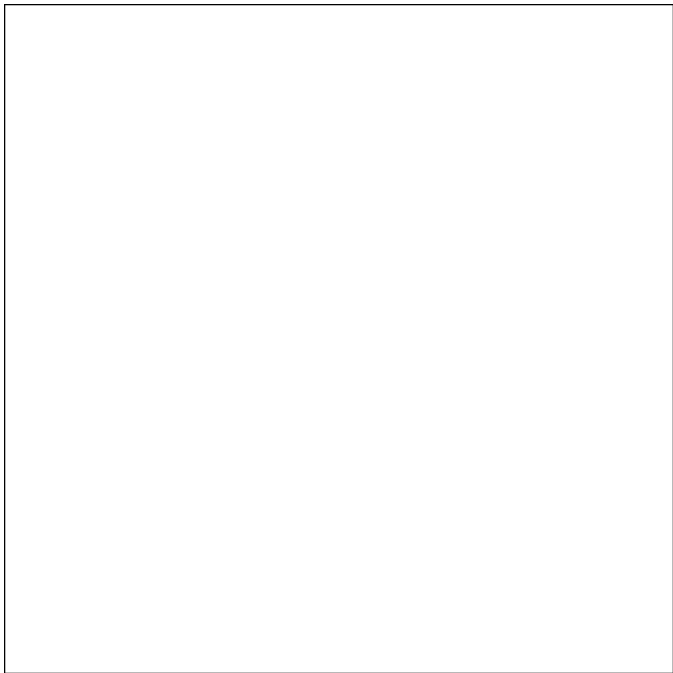
Level 2

Persian

Marzieh Mohammadian Haghighi

Melany Pieterse

Adelheid Marie Bwire



تنته



Storybooks Canada

storybookscanada.ca

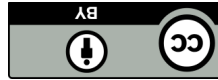
تنته

Written by: Adelheid Marie Bwire

Illustrated by: Melany Pieterse

Translated by: Marzieh Mohammadian Haghighi

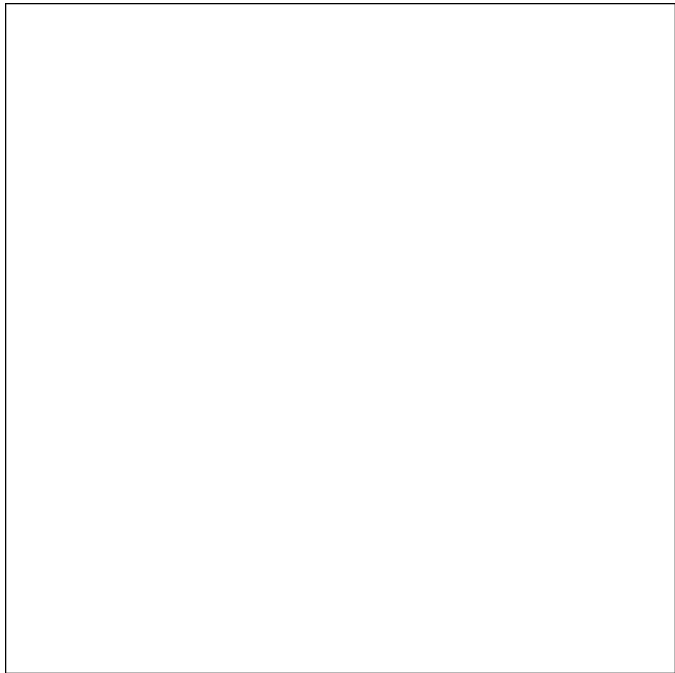
This story originates from the African Storybook (africanstorybook.org) and is brought to you by Storybooks Canada in an effort to provide children's stories in Canada's many languages.



This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution 3.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/3.0>

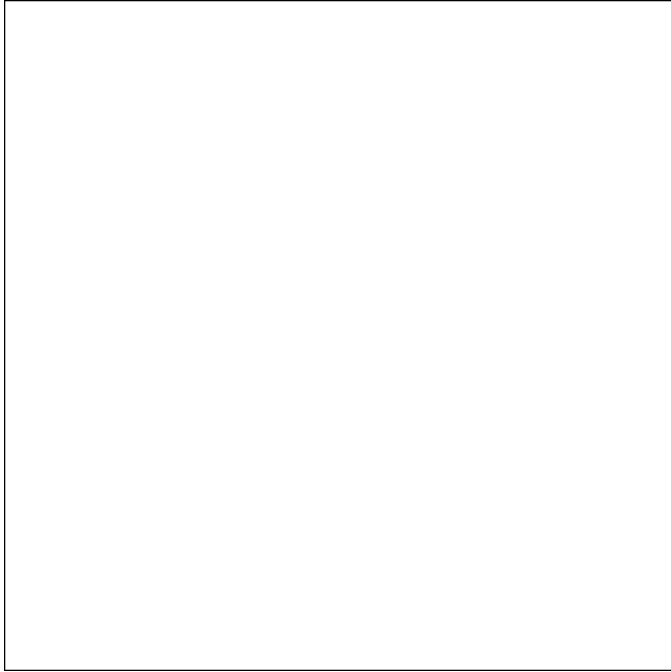


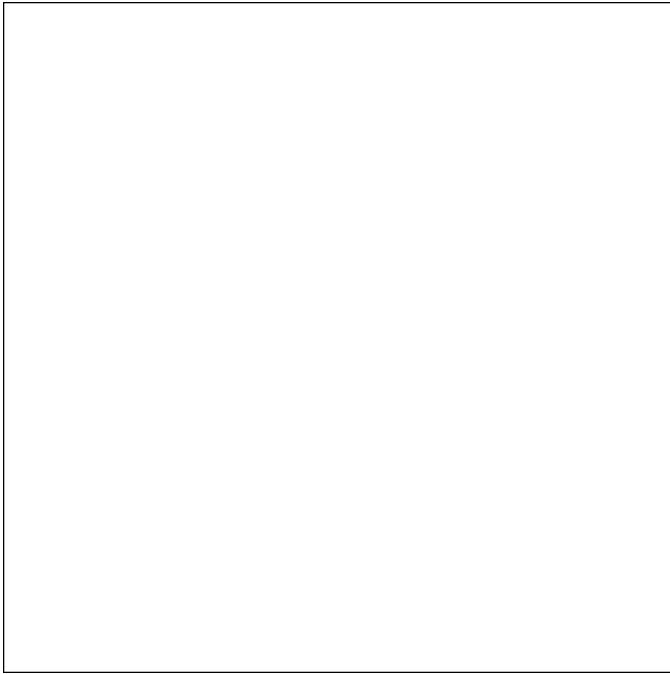
پیک روز مادرم مقدار زیادی میوه خرید.

جورن."

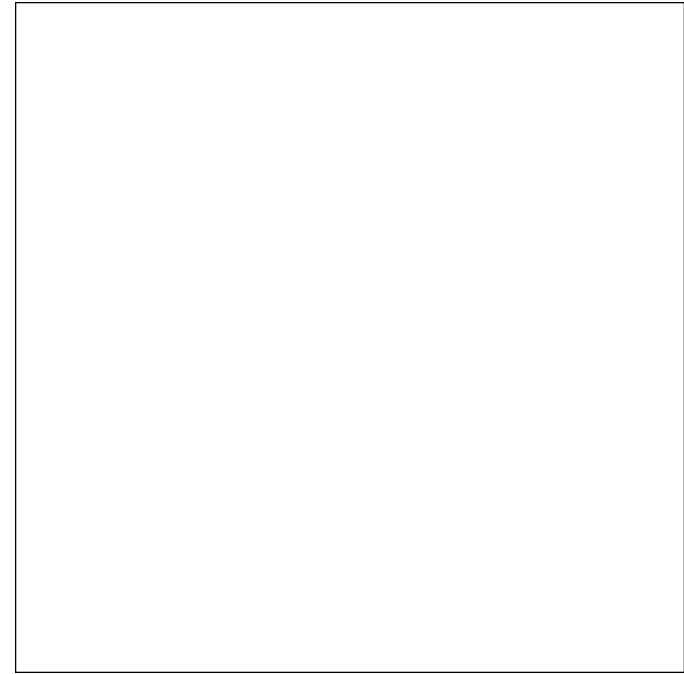
لہذا جو ہوتے ہیں ہمیشہ آ، "جفت" اور خراب اور خراب

"نہیں ہوتے یا جفت لہذا ہمیشہ ہی" کی ہوتی ہے اور



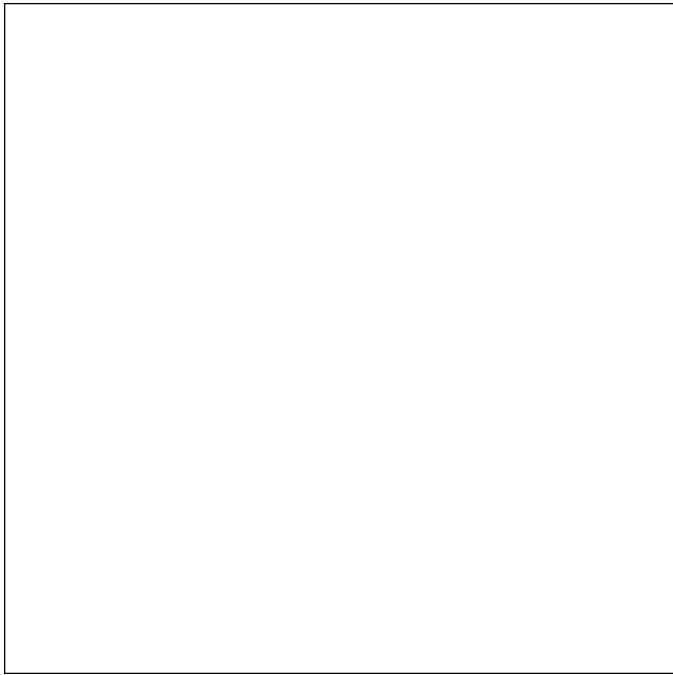


بَرَادَرَم رَحِيم پُرْخُور اَسْت. او اَز هَمه ي مِيوَه ها
چَشِيد. وَ مِقْدَارِ زِيَادِي اَز مِيوَه ها را خُورِد.

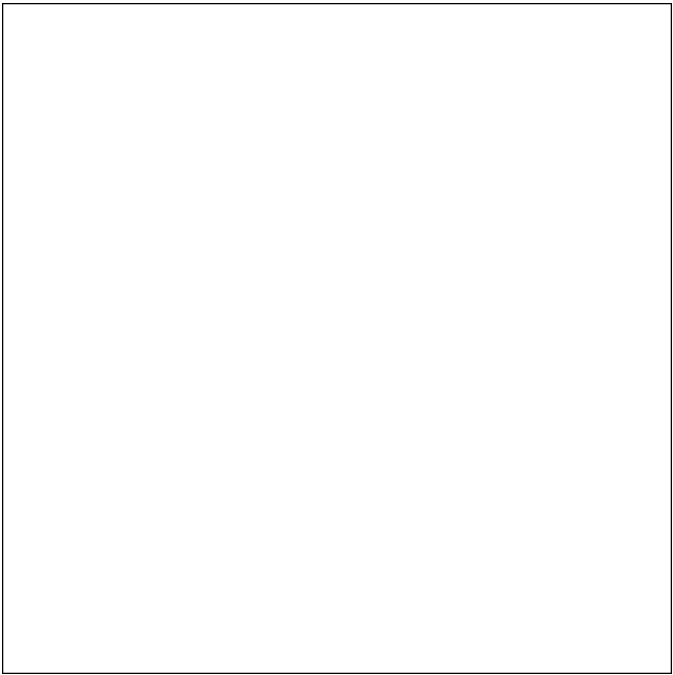


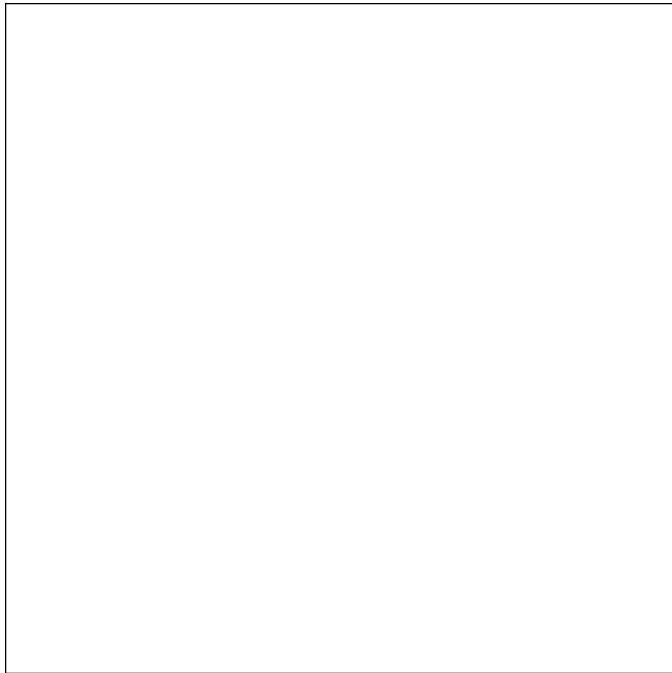
دَر اَخرِ رَحِيم اَز ما عُنْدِ رُخِوَاهِي كَرْد. وَ اَيْن قُول را
داد: "مَنْ دِيْگَر هِيچِوَقْت اَيْنْقَدْر پُرْخُورِي نَخِوَاهَم
كَرْد." وَ ما هَم حَرْفَش را باوَر كَرْدِيم.

امامی دانست که این اتفاق خواهد افتاد. متوجه
 مادر را تشنه کردند

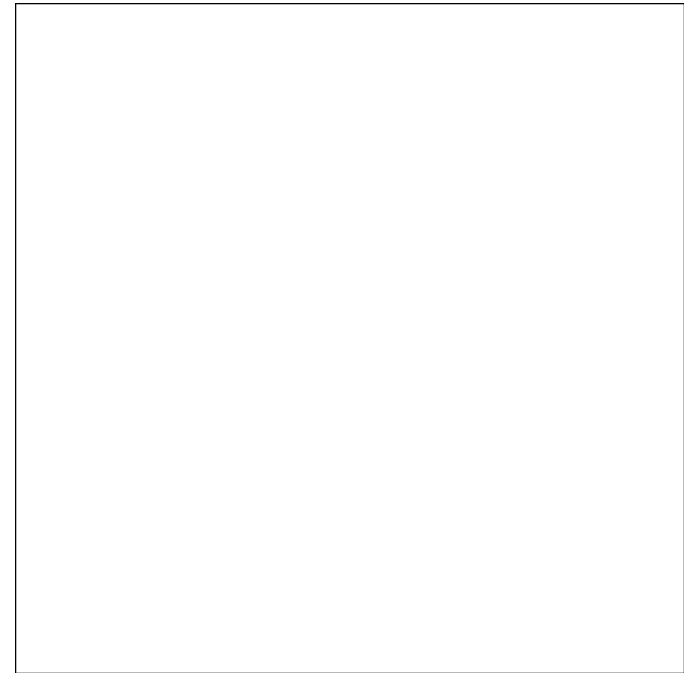


برای کوچک فریاد زد: "ببینید رحیم چه کاری
 کرده! من هم گفتم رحیم سرکش و خودخواه
 است."



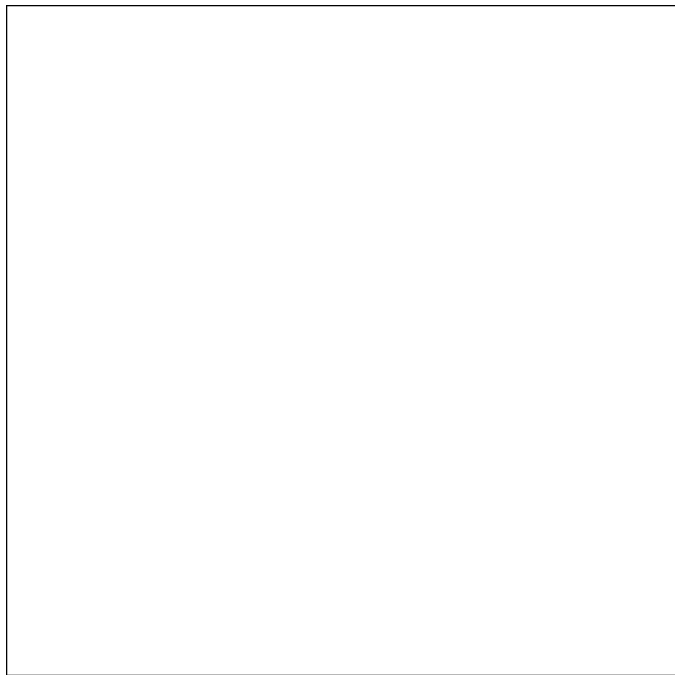


مادر از دستِ رحیم عصبانی شد.

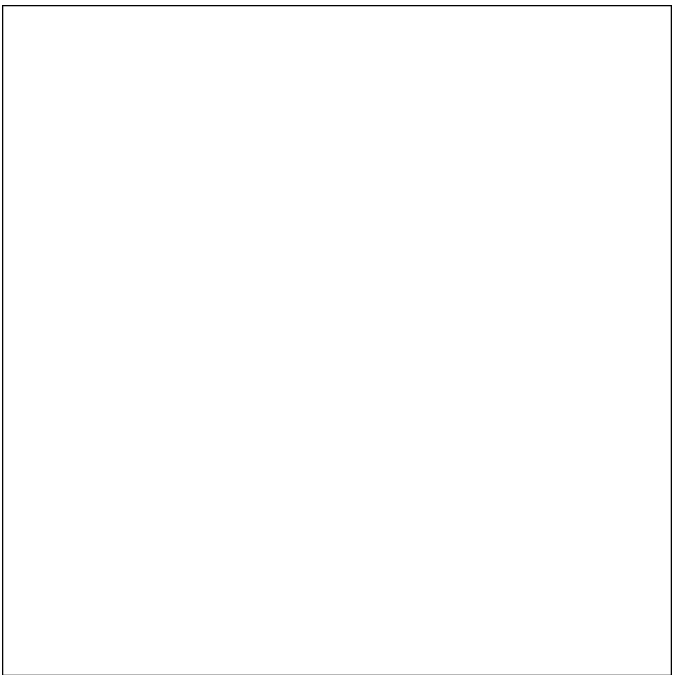


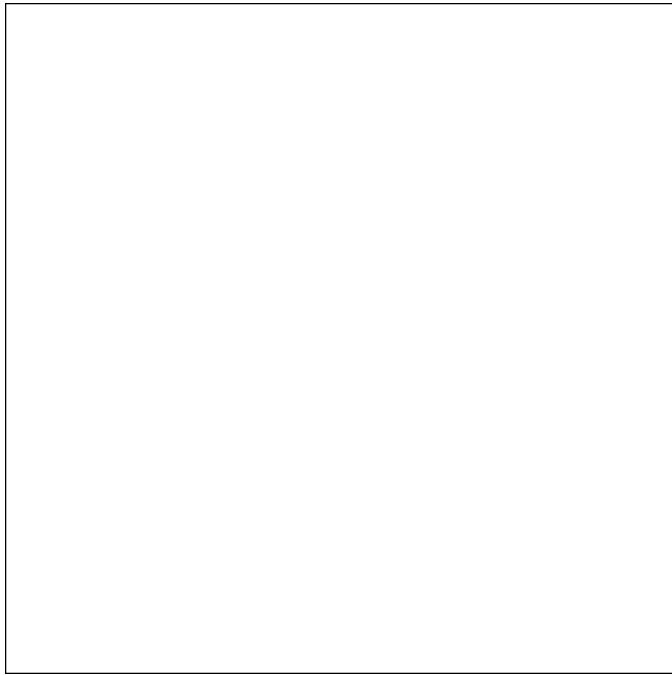
رحیم آرام زمزمه می‌کرد. "شکَم خیلی پیچ
می‌خورد."

رحیم داشت احساس مریضی می کرد.

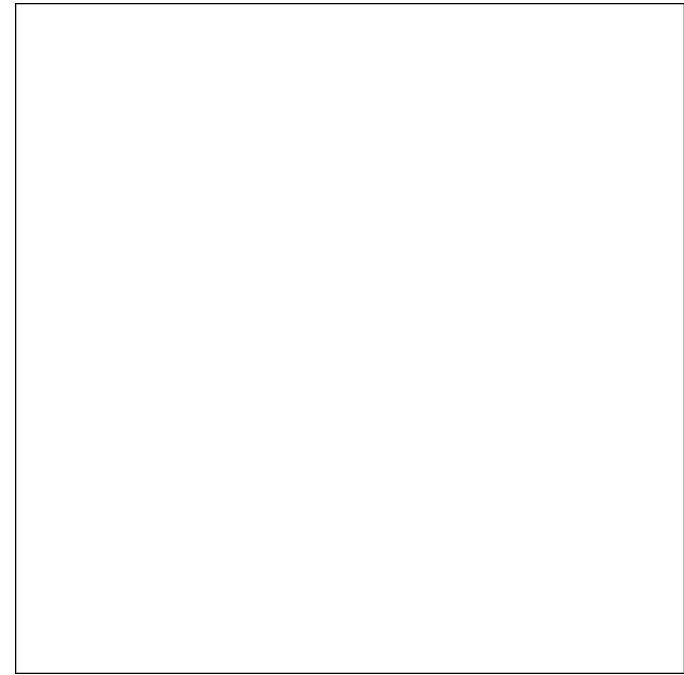


ما هم از دستش عصبانی شدیم. ولی رحیم اصلاً
میترسید نشد.





بَرادَرِ كوچِكِ پُرسيِد: "نِمي خِواهي رَحيمِ را تَنبيه
كُنِي؟"



مادَرِ بِه رَحيمِ تَدَكُرِ داد، "بِه زودي از اين كارت
پَشيمانِ خِواهي شُد."